

#### یادداشت

### جمعه‌ای که تل آویو را آچمز کرد

#### حمیدرضاعظمی

شرایط خاورمیانه در دور تند جنگ قرار دارد. خاورمیانه امروز هیچ شباهتی به خاورمیانه قبل از هفتم اکتبر ۲۰۲۳ ندارد. به آن روز که هیچ، هیچ شباهتی به همین خاورمیانه فروردین ۱۴۰۳ هم ندارد. جو خاورمیانه بسیار ناپایدار است و کویبی در این جغرافیا، در چشم برهم‌زدنی «جو» تغییر می‌کند. ماچرا در این فقره، هفت ماه پیش رقم خورد؛ درست وقتی سال ۱۴۰۳ آغاز شد.

آن روز هم سیدحسن نصرالله زیر آسمان آبی در حال رتق و فتق امور حزب‌الله بود و هم اسماعیل هنیه امور حماس را در دست داشت. اما کویا سقوط هلیکوپتر رئیس جمهوری اسلامی ایران در پایان اردیبهشت، نقطه‌ای بود که به وقایع سرعت بخشید. شاید هم نه، سرعت وقایع از هفتم اکتبر ۲۰۲۳ زیاد شده باشد. هرچه بود، کویبی آیارات حوادث دوست داشت این فیلم تازه را روی تند بر برده نقره‌ای خاورمیانه نمایش دهد.

در زنجیره حوادث این تصویر، خیلی زود رئیس‌جمهور جدید انتخاب شد و در جشنی ملی در قامت مراسم تحلیف، یکی از میهمانان ویژه (صرف‌نظر از هویتش) ترور شد. آن روز تأکید بر این بود که اسرائیل در پاسخ به عملیات موشکی و پهبادی ایران علیه مواضعش، این اقدام را در قلب تهران انجام داده است.

روایت ادامه فیلم را دیگر هم می‌دانند، اما کویا استراتژی جمهوری اسلامی در این فقره مدارا بود. موضوعی که هرچند خلاف آن به‌عنوان مطالبه بخشی از جامعه (که گاه تندروهای یک جناح هم در میان آنها دیده می‌شد)، مطرح و به‌طور ویژه در شبکه‌های مجازی نقل محافل شده بود. اما در کلان ماجرا، ایستادن بر موضع رفع تنش‌های منطقه کاملا عاقلانه به نظر می‌رسید.

آنچه گفته شد در یک سوی ماجراست؛ در سوی دیگر ماجرا رژیم‌ی قرار داشت و دارد که کویب راهبردش عبور از میدان خون است. راهبردی که بلافاصله بعد از عملیاتی موسوم به «وعده صادق» در فاز اجرایی قرار گرفت و اجرای ترورهای پشت‌سرم، غیر از عملیات علیه زنجیره فرماندهی حزب‌الله لبنان، در نهایت رأس هرم فرماندهی این نهاد در جبهه مقاومت را حذف کرد.

با حذف فیزیکی سیدحسن نصرالله، رژیم صهیونیستی عملا از بزرگ‌ترین خط قرمز جمهوری اسلامی در منطقه عبور کرد. بافشاری اسرائیل بر عبور بیایی از خطوط قرمز این نظر را بین برخی از حاضران و ناظران امور ایجاد کرد که تل آویو دامی برای تهران پهن کرده تا او را به سمت جنگی فراگیر بکشاند. در فضای عمومی بین مخالفان و موافقان این موضوع جدالی بسیار درگرفت و کار به جایی رسید که برخی محمدجواد ظریف و شخص مسعود پزشکیان را متهم می‌کردند که با ایجاد مانع بر مسیر انتقام از خون اسماعیل هنیه، راه را به‌صورت غیرتعمدی برای ترور نصرالله هموار کرده‌اند.

شاید به همین دلیل و هزارویک دلیل مضاف بر آن، پاسخ موشکی روز سه‌شنبه هفته پیش در اول اکتبر ۲۰۲۴، واجب و ضروری به نظر می‌رسید. این نکته در بیان برخی از تحلیلگران وجود دارد که اگر جمهوری اسلامی پاسخی به اقدامات زنجیروار اسرائیل نمی‌داد، هیچ پایانی بر اقدامات آنها تصور نبود.

صاحب این قلم در سرمقاله یکی از روزنامه‌ها در روز بعد از ترور سیدحسن نصرالله، بر این موضوع تأکید کرد که ماشین جنگی و ترور اسرائیل به عمد ترمز بریده است و مادامی که «به مانعی سخت» برخورد نکنند، بعید است از حرکت بایستد. یحتمل عملیات موشکی ایران نیز بر پایه چنین تحلیلی انجام شد تا هم مطابق آنچه معاون اول رئیس جمهوری گفت، پاسخی باشد به مطالبات عمومی که مدام تکرار می‌شد و هم نقش بازدارندگی که برای چنین عملیاتی متصور است، به درجه اکمل برسد.

انجام عملیات موشکی اما مخالفانی داشت؛ مخالفانی که به‌ویژه در فضای عمومی، بر قدرت بالای عملیاتی اسرائیل تأکید می‌کردند و این وحشت را بی‌اسی عموم مردم راه انداخته بودند که عن‌قریب است اسرائیل مراکز حساسی مانند نیروگاه‌ها، مراکز تصفیه آب و… را منهدم کند تا روزگار سختی برای شهروندان ایرانی رقم بزند. تحلیل نماز جمعه گذشته از این منظر دارای اهمیت است.

نماز جمعه اخیر به امامت آیت‌الله خانه‌ای در فضای پرتنش منطقه اقامه شد. نماز جمعه در فضایی برگزار شد که بدون هیچ تردیدی یک ریسک بزرگ به نظر می‌آمد. مطابق آنچه در اخبار درگوشی هم تکرار می‌شد، تمام نهاد‌های امنیتی و اطلاعاتی پیش‌نهاد کرده بودند نماز را ان‌همه موقت جمعه در تهران اقامه کنند، اما کویب راهبرد باید ایران را در مسیری قرار می‌داد که به قول سردار سلامی در گفت‌وگو با رئیس شورای عالی امنیت ملی پس از حمله موشکی، «هرچه بافته بودند» را پنبه کند.

نماز جمعه اخیر از این منظر، صرفا یک واقعه عبادی سیاسی نبود بلکه در قامتی برگزار شد که به نظر دکترین نظامی ایران را صرفا دفاعی تعریف نکرد.

نماز جمعه اخیر در حالی برگزار شد که تمام فرماندهان نظامی ارشد در آن به وضوح غیبت داشتند؛ غیبتی که خیلی به چشم می‌آمد و این فهم را ایجاد کرد که آنها در اتاق عملیات جنگی منتظر نشسته‌اند تا اقدامات احتمالی اسرائیل را نظاره کنند و در صورت نیاز پاسخی بسیار فوری بدهند. این پازل وقتی تکمیل می‌شود که ساعاتی قبل از آغاز نماز جمعه تهران، وزیر امور خارجه ایران در پرتنش‌ترین زمان (درست وقتی اسرائیلی‌ها شب قبل محل استقرار سیدهاشم صفی‌الدین را به قصد ترور او و دیگر فرماندهان حزب‌الله، بمباران کردند)، وارد بیروت شد؛ اقدامی که حتی شبکه العربیه آن را به تصویر کشید.

آگاهان بر این نکته متفق‌اند که وقتی قطع برق ناکهانی در یک کنفرانس بین‌المللی باعث تعلیق کنفرانس به دلایل امنیتی می‌شود، برگزاری نماز جمعه تهران در شرایطی که اسرائیل خبر از انجام عملیات سخت و خشن علیه ایران داده بود، کاملا اقدامی معتنادر است.

با همه این احوال، برگزاری نماز جمعه تهران و سفر هم‌زمان وزیر خارجه به بیروت و البته غیبت معنادار فرماندهان ارشد نظامی، توب را به میدان اسرائیلی‌انداخته و به نظر می‌رسد این اقدامات هم‌زمان مشابهت زیادی به رجزخوانی در سال‌های بسیار دور در معرکه‌ها و جنگ‌ها داشته که گاه به بازدارندگی هم می‌انجامیده است.

حالا اگر به صفحه شش‌طرح خاورمیانه دقت کنیم، نوبت بازی اسرائیل است. شاید او در این شرایط «آچمز»، طوری بازی کند که سرانجامی غیر از «مات»شدن نداشته باشد.

کنش نظامی صهیونیست‌ها در قبال عملیات وعده صادق ۲

چه خواهد بود؟ اهل فن در حوزه سیاسی و نظامی نیک می‌دانند که راهبرد ایران در قبال رژیم صهیونیستی، لاقال پس از عملیات طوفان الاقصی، «بازدارنده» بوده است و عملیات وعده صادق ۱ و ۲ نیز با هدف توقف صهیونیست‌ها از تداوم شرایط در قبال ایران انجام شده است. واضح است که رژیم صهیونیستی قصد دارد برای خروج از جنگ فرسایشی و بی‌نتیجه غزه، ایران را وارد جنگ کند. از آن سو، ایران غرق شدن رژیم صهیونیستی در جنگ فرسایشی غزه را پیروزی بزرگی برای جبهه مقاومت تلقی می‌کند.

حملات اسرائیل به جنوب لبنان و ترور فرماندهان حزب‌الله و در رأس آنها شهید سیدحسن نصرالله، نقطه عطفی در بحران یک‌ساله اخیر خاورمیانه محسوب می‌شود. جمهوری اسلامی پس از دو ماه صبر راهبردی، در قالب عملیات وعده صادق ۲ با شلیک حدود ۲۰۰ موشک بالستیک به مناطق نظامی اسرائیل، توان نظامی خود را به رخ کشید. اما عملیات وعده صادق ۲ هم نشان داد ایران بر راهبرد بازدارندگی خود گماکان پافشاری می‌کند و قصد ورود به جنگ مستقیم با اسرائیل را ندارد. حالا مهم‌ترین سؤال اینجاست که آیا عملیات وعده صادق ۲، اسرائیل را از ادامه ماجراجویی علیه ایران باز خواهد داشت؟

برخی از تحلیلگران معتقدند همان‌طور که وعده صادق ۱ در

عمل بازدارنده نبود، وعده صادق ۲ نیز بازدارنده نیست و اسرائیل با

نیت‌خوانی که از «امتناع ایران از ورود به جنگ» انجام داده است،

پاسخ ایران را این بار با حمله به زیرساخت‌ها یا ترور شخصیت‌های

برجسته نظامی و سیاسی ایران خواهد داد.

برخی دیگر از تحلیلگران هم معتقدند عملیات وعده صادق ۲ بازدارندگی مؤثری ایجاد خواهد کرد و اسرائیل با پاسخ نظامی مستقیم به ایران نخواهد داد یا برای حفظ آبرو، مانوری نمایشی در قالب حمله به چند نقطه کور ایران (فاقد اهمیت استراتژیک) برگزار خواهد کرد.

برای اینکه بتوانیم رفتار اسرائیل را پیش‌بینی کنیم یا میزان بازدارندگی مؤثر ایران در عملیات وعده صادق ۲ را بسنجیم، ضروری

## «بازیگر دیوانه» و بازدارندگی مؤثر



سیدمحمدحسینی\*

است تاملی بر مفهوم نظری بازدارندگی داشته باشیم.

بازدارندگی برای آنکه عمل‌کنند یا موفق باشد، ضرورتا باید پنج ویژگی را در بر داشته باشد:

۱. **توانایی**: برای بازدارندگی باید سلاح بازدارنده را داشت و به دیگر بازیگران ازجمله دشمن ثابت کرد که شما سلاح بازدارنده دارید. مانورهای نظامی در اصل برای اثبات توانایی به خودی و غیرخودی صورت می‌گیرد. ایران ثابت کرده که دارنده انواع موشک‌هایی است که می‌توانند از کُنب آه‌نبن و موشک‌های رهگیر بالستیک عبور کنند. در عملیات وعده صادق ۲ اگر به اخبار دشمن هم استناد کنیم، حداقل تعداد درخور توجهی از موشک‌های بالستیک ایران به هدف خورده‌اند؛ ضمن آنکه ایران از توان اصلی موشک مخرب‌تر خود رونمایی نکرده است. همین برای اثبات توانایی ایران کافی است. اسرائیل این پیام را دریافت کرده است که چنانچه ایران اهداف زیرساختی یا مراکز پرجمعیت را هدف بگیرد، عبور همین تعداد موشک برای گرفتن تلفات جاعه‌آمیز از صهیونیست‌ها کافی است.

۲. **جرئت عمل**: گاه توانایی موجود است اما جرئت استفاده از سلاح توسط بازیگر وجود ندارد. محافظه‌کاری، هراس از ورود به جنگ، نداشتن اعتمادبه‌نفس یا ملاحظات دیگر مانع از اقدام می‌شود. ایران در حمله به عین‌الاسد، وعده صادق ۱ و وعده صادق ۲ ثابت کرد در دفاع از امنیت ملی خود «مصمم و بسیار جدی» است و دچار آفت‌های روانی و هراس بی‌مورد نمی‌شود.

۳. **انتقال پیام**: در بازدارندگی، انتقال پیام بسیار حیاتی است. انتقال پیام در این زمینه‌ها به جای طرح صورت‌مسئله و تکرار مکررات، بر راه‌حل وا واقعیات در این زمینه بی‌بردارد. به نظر می‌رسد گزارش در این‌باره به‌صورت شفاف از جانب مردم با گذشت بیش از دو ماه از شروع به کار کابینه، می‌تواند مطالبه بحقی باشد؛ به‌خصوص که مسئله اینترنت و فیلترینگ پیش از آنکه یک وعده یا مطالبه سیاسی یا کارشناسی باشد، جنبش اجتماعی دارد و تمامی امور زندگی همه مردم در همه طبقات و گروه‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

البته هم‌زمان با انتخاب پزشکیان، مجلس دوازدهم نیز تلاشی برای تدوین طرحی برای رفع فیلترینگ را آغاز کرد که ناکام ماند و محمدقسیم عثمانی، نماینده بوکان که طراح اصلی آن بود، گفت: «من طرحی دوفوریتی تهیه و تقدیم هیئت‌رئیس‌ه کردم. این طرح تمام مراحل خود را طی کرده است، اما آقای کالییاف این طرح را وتو کردند…» همان زمان عثمانی خطاب به کالییاف گفت: «اینجا پادگان نیست بلکه اینجا مجلس شورای اسلامی است. اینجا خانه ملت است، بنده به عنوان نماینده مردم طرحی را در جهت منافع مردم طراحی کرده و طبق آیین‌نامه مراحل دوفوریتی آن را طی کردم، چرا آقای کالییاف این طرح را وتو کردند؟». او سپس ادامه داد: «مگر هیئت‌رئیس‌ه نباید آیین‌نامه مجلس را رعایت کند؟ اگر من به عنوان نماینده مردم نتوانم صحبت کنم، چه کسی باید حرف مردم را بزند؟». در نهایت هم نیکزاد خطاب به نماینده معترض گفت: «انتسابی که شما به رئیس مجلس شورای اسلامی دادید درست نیست. اکنون ۳۰ طرح دوفوریتی در هیئت‌رئیس‌ه وجود دارد و هرکدام باید به‌موقع مطرح شود».

البته چندی پیش جعفر قادری، نایب‌رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس هم اظهار کرد، به‌هرحال دولت اگر نظر و دیدگاهی دارد، از طریق شورای عالی فضای مجازی اقدام خواهد کرد. قادری ادامه داد: دولت ممکن است نظارتی درباره رفع فیلترینگ داشته باشد، اگرچه رئیس‌جمهور رئیس شورای عالی فضای مجازی است، اما نظرات در مورد رفع فیلترینگ در این شورا به رای‌گیری گذاشته می‌شود. نماینده مردم شیراز تأکید کرد: رئیس‌جمهور به‌تهایی نمی‌تواند فیلترینگ را برادر و نهایتا شورای عالی فضای مجازی تصمیم‌گیرنده است. جعفر قادری با اشاره به اینکه عموم مردم از فیلترشکن‌ها استفاده می‌کنند، گفت: من فکر می‌کنم با وجود فیلترشکن‌ها عملا فیلترینگ توفیقی نداشته و به‌خاطر خرید فیلترشکن‌ها هزینه خانواده‌ها افزایش یافته است. وی ضمن تأکید بر حل معضلات اینترنت خاطر‌نشان کرد: دولت باید به

است. حریف باید به‌طور شفاف پیام شما را دریافت کند. ایران به‌خصوص در عملیات اخیر، هم با موشک و هم با دیپلماسی، پیام‌هایی را مستقیم یا با واسطه به دشمنان و کشورهایی که ایحاناً با آمریکا و اسرائیل قصد همکاری داشتند، مخابره کرد. از طرف دیگر، عبور موشک‌های بالستیک از سیستم پدافندی اسرائیل و هدف‌گرفتن مناطق نظامی، خود پیامی روشن و قاطع به صهیونیست‌ها مخابره کرد.

۴. **راه‌های بدیل**: در بازدارندگی باید راهی برای امتناع از جنگ مستقیم وجود داشته باشد یا آنکه کشوری که از جنگ مستقیم امتناع می‌کند، با ابتکار عمل، راه بدیلی پیش‌روی حریف بگذارد. ایران در سطح منطقه‌ای توقف جنایت‌های اسرائیل در منطقه، توقف ترور و آتش‌بس را به عنوان راه بدیل پیش‌روی صهیونیست‌ها گذاشته است. عدم ماجراجویی در محیط امنیتی ایران نیز راه بدیل دیگری پیش‌روی صهیونیست‌هاست تا وعده صادق ۳ عملیاتی نشود.

۵. **عقلانیت طرفین**: در بازدارندگی، طرفین باید با محاسبات عقلایی، رفتار خود و احتمال پاسخ حریف را هزینه-فایده کنند و سپس تصمیم به اقدام جدید بگیرند. ایران با مختصات عملیات وعده صادق ۱ و ۲، اهداف حمله، کم و کیف به‌کارگیری تجهیزات، امتناع از کشتن غیرنظامیان و… ثابت کرده که بازیگری عقلایی است.

حالا سؤال اساسی اینجاست: آیا اسرائیل هم بازیگری عقلایی است؟ یعنی در قبال ایران هزینه-فایده دقیق می‌کند یا مطابق تئوری بازی‌ها «بازیگر دیوانه» است؟

چنانچه اسرائیل مطابق نظریه بازدارندگی در قبال پاسخ به وعده صادق ۲ هزینه-فایده و دوراندیشی کند، قاعدا نباید پاسخی جدی به ایران بدهد و احتمالا جنبش پاسخ اسرائیل مانند پاسخ به وعده صادق ۱، نمایشی و برای حفظ آبرو خواهد بود. اما چنانچه اسرائیل در قبال وعده صادق ۲ «بازیگری دیوانه (Madman)» باشد، آنگاه منطقه را با بحرانی عمیق‌تر و شاید جنگی بی‌پایان مواجه کند.

**۶** **سفیر سابق ایران در عربستان و کارشناس ارشد مسائل غرب آسیا**



عکس سلفی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی در جلسه

**وزیر ارتباطات ممنوعیت فروش فیلترشکن‌ها به جای رفع فیلترینگ را برداشت اشتباه رسانه‌ها تعبیر کرد**

# بازی با واژه فیلترینگ

سمت و سویی نبود که تفاوت‌های مثبتی در سکوهای داخلی ایجاد کنند و با ارتقای پلتفرم‌های داخلی باعث شود مردم سکوهای داخلی را انتخاب کنند.

به‌رحال اولین جلسه شورای عالی فضای مجازی بدون ستاوردی ملموس در رابطه با رفع فیلترینگ برگزار شد و فعلا آنچه در رسانه‌ها دست به دست می‌شود، دستور ممنوعیت فروش فیلترشکن‌هاست نه رفع فیلترینگ که در این رابطه، به گفته هاشمی «رئیس‌جمهور دستور داد وضعیت موجود فیلترینگ ارزیابی و گزارش شود، ولی مطالبه جمعی نیز در زمینه فیلترشکن‌هایی بود که امروزه موجب آلودگی‌های شبکه ملی اطلاعات شده است. از این‌رو هم وضعیت موجود گزارش می‌شود و هم این آلودگی‌ها پایش می‌شود که بخش زیادی از این آلودگی‌ها مربوط به استفاده از فیلترشکن‌هاست که مورد بررسی قرار می‌گیرد». وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات درباره آخرین وضعیت فیلترینگ گفت: از همه ذی‌نفعان خواسته شده بر اساس فرمایشات مقام معظم رهبری درخصوص اینکه باید حکمرانی قانونمند داشته باشیم، در حوزه‌های مختلف برنامه‌ای ترسیم شود و بعد با محوریت مرکز ملی فضای مجازی جمع و نهایی شود و در شورای عالی فضای مجازی تصمیم نهایی گرفته خواهد شد. او همچنین درباره آخرین پیگیری‌ها در موضوع فیلترینگ و اینکه رئیس‌جمهور در نشست خبری خود با خبرنگاران از پیگیری موضوع فیلترینگ و رایزنی با شورای امنیت خبر داده بودند، گفت: «وقتی صحبت از فضای مجازی می‌کنیم، این فضا صرفا حوزه فنی نیست و فضای مجازی حداقل برابر با فضای حقیقی است که زیست در آن جریان دارد و ذی‌نفعان زیادی دارد.»

پزشکیان که در مسیر رسیدن به پاسطور تلاش بسیار داشت و شعارها و برنامه‌های رؤیایی به فریب افکار عمومی نبردازد، با همین ترفند در نهایت چند وعده مشخص را مطرح کرد و قول داد بر سر پیماناش با مردم بماند که یکی از آنها همین ماجرای رفع فیلترینگ بود که حتی در اولین نشست خبری خود با اصحاب رسانه هم بر آن تأکید کرد. بنابراین نمی‌توان از تحقق این وعده ناامید بود، به‌خصوص که نباید فراموش کرد که شورای عالی فضای مجازی به عنوان نهادی که در این زمینه تصمیم‌ساز و تاریخ‌ساز است، فرصتی بی‌بدیل برای تغییرات هرچند کوچک در زمینه فیلترینگ دارد و می‌توان با مقاومت در برابر برخی طرح‌ها و رفع محدودیت‌ها به‌صورت آهسته و پیوسته با توسیل به ترکیب شورای عالی فضای مجازی و هیئت‌رئیس وزیر در این شورا، این وعده را محقق کرد.

#### گزارش

**جهانگیر از دستگیری فردی با ادعای نفوذ در دستگاه قضائی خبر داد**

#### کلاهداری با جعل امضا و

#### دستختر رئیس قوه قضائیه

**حمیدرضا به‌گذر:** نشست خبری ویژه و فوق‌العاده اصغر جهانگیر، سخنگوی قوه قضائیه، دیروز شب ۱۴ مهرماه برگزار شد.

او در این نشست گفت: در دوره تحول

قضائی با ریاست محسنی‌اژه‌ای بحث پرداختن به مبارزه با فساد یک رویکرد جدید چه در درون قوه، چه در پیرامون آن را به دنبال داشته و بر خورد سریع با کسالت که مسیر ارزش‌ها را با چالش روبه‌رو می‌کند، در دستور کار قرار دارد.

او افزود: با وجود افراد شایدهی که به نام افراد صاحب‌منصب با استفاده از شهرت بعضی افراد با اتخاذ عناوین نسبت به کلاه‌گذاشتن بر سر مردم اقدام می‌کنند، برخورد می‌شود. این افراد علاوه بر اخذ و خوردن مال مردم، به‌نوعی اثر مخربی را در جامعه می‌گذارند و منجر به کاهش اعتماد عمومی جامعه می‌شوند.

جهانگیر گفت: یک باند در استان اصفهان با اعمال نفوذ در پرونده‌های قضائی مبلغ ۹۰۰ میلیون تومان اخذ کرده، نامه‌هایی را جعل می‌کردند و در اختیار مال‌باختگان قرار می‌دادند، بررسی‌ها نشان داد با تأسیس یک مؤسسه غیرقانونی به نام «عدالت‌گستر دادگر»، با همکاری تعدادی وکیل و اشخاص عادی با مانورهای متقلبهانه تلاش به فریب افراد می‌کردند. او افزود: این افراد شناسایی و دستگیر شدند. در دستگیری مقادیر قابل توجهی از اسناد جعلی دولتی و همچنین سلاح کشف شد، همچنین تحت عنوان برنده‌شدن افراد در مناقصات به افراد نزدیک می‌شدند. در یک مورد بیش از ۲۰۰ میلیون تومان اخذ کردند تا فرد برنده مناقصه شود. همچنین مدارک جعلی برای اتباع داشته و برای هر گواهی ۵۰ میلیون تومان دریافت می‌کردند، محورهای حمل سلاح برای افراد تهیه می‌کردند و از هر فرد حداقل شش میلیون تومان دریافت می‌کردند. حداقل از صد نفر برای صدور مجوز حمل سلاح اخذ پول داشتند. او افزود: برای حل‌وفصل نیز از یک نفر یک‌میلیارد و ۲۰۰ میلیون تومان اخذ کردند. این افراد شناسایی و دستگیر شدند.

سخنگوی قوه قضائیه گفت: در استان فارس فردی با جعل برخی از اسناد رسمی مدعی شده است از طرف یکی از مقام‌های بلندپایه کشور بوده که در امور اقتصادی فعالیت می‌کرده است. این فرد یک فقره نامه جعلی به رئیس کل بانک مرکزی ارائه داده و در آن نامه دستور واریزی صد هزار میلیارد تومان به حساب شخصی اش درخواست کرده که ناکام شده است. او بیان کرد: با پیگیری‌های به‌عمل‌آمده فرد شناسایی و دستگیر شده که پرونده در حال رسیدگی است. سخنگوی قوه قضائیه گفت: پرونده دیگری در استان البرز است که فرد با جعل عناوین دولتی مباردت به اخذ وجوهات از مردم کرده، این شخص موفق شده در یک مورد از اصحاب یکی از پرونده‌ها ۳۵ میلیارد تومان اخذ کند، همچنین مباردت به نوشتن نامه‌ای از سمت دادگستری البرز کرده که موضوع کشف و متهم بازداشت شده است.

افزود: در تهران نیز فردی با عنوان مشاور رئیس‌جمهور اقدام به تشکیل یک باند خطرناک در قالب کلاهداری در پوشش خیریه و امور مذهبی کرده، با نزدیک‌شدن به مسئولان صاحب‌منصب و با ادعای جعلی و غصب عناوین هدف کلاهداری داشته که این پرونده نیز در حال رسیدگی است. جهانگیر بیان کرد: تعدادی وکیل باسابقه، با سوءاستفاده از وکلای تازه‌کار و کارآموزان وکالت که تازه وارد عرصه وکالت شده بودند، پرونده‌های خاصی را به آنها معرفی می‌کردند و خودشان در پشت صحنه با ادعای ارتباط با نهاد‌های حکومتی، قضائی و نظامی تلاش می‌کردن سیر پرونده را به مرحله‌های دیگر ببرند. او افزود: همه اعضای این باند که

۲۹ نفر بودند، شناسایی و دستگیر شدند و پرونده در حال رسیدگی است. وی گفت: همچنین در سه ماه اخیر ۵۹ وکیل و هشت کارشناس رسمی دادگستری متخلف که با کارجاقت‌کان، شیادان و کلاهدارداران همکاری داشتند، تحت تعقیب قرار گرفتند. جهانگیر همچنین بیان کرد: سه وکیل دادگستری (او مرد و یک خانم) با دریافت مبلغ هنگفتی از خانواده‌های زندانیان پرونده‌های سنگین مواد مخدر مبالغی با ادعای اعمال نفوذ در دستگاه قضائی و اینکه می‌توانند رأی به نفع زندانیان آنها بگیرند، اخذ کردند.